«خروج»؛ فیلم جدید حاتمی‌کیا

ابراهیم حاتمی‌کیا بیستمین فیلم سینمایی خود را با همکاری سازمان هنری رسانه‌ای اوج تولید می‌کند. به گزارش جام جم، «خروج» نام تازه‌ترین فیلم ابراهیم حاتمی‌کیاست که با تهیه‌کنندگی حبیب والی‌نژاد و همکاری سازمان هنری رسانه‌ای اوج ساخته می‌شود. خروج پس از فیلم‌های سینمایی بادیگارد و به وقت شام، سومین همکاری مشترك حاتمی‌کیا و سازمان اوج است. حاتمی‌کیا اکنون نگارش فیلمنامه خروج را به اتمام رسانده است و پس از پایان مراحل پیش‌تولید، ساخت این فیلم را آغاز خواهد کرد. ابراهیم حاتمی کیا ساخت فیلم‌هایی چون آژانس شیشه ای، روبان قرمز، از کرخه تا راین و بوی پیراهن یوسف را در کارنامه دارد. آخرین فیلم حاتمی‌کیا پیش از خروج، به وقت شام بود که به موضوع جنایات گروه‌های تکفیری اختصاص داشت و هادی حجازی‌فر و بابك حمیدیان نقش‌های اصلی آن را بازی می‌کردند. حبیب والی‌نژاد، تهیه‌کننده خروج پیش از این هم در فیلم‌هایی با حاتمی‌کیا همکاری داشته است.

با محمد دلاوری، راوی «متولد اورشلیم» درباره این مستند حرف زده‌ایم؛ مستندی که این روزها حاشیه‌های زیادی ایجاد کرده است

وارد منطقه ممنوعه شدیم!

باران حیدری
فرهنگی

«متولد اورشلیم» این روزها حاشیه و سر و صدای زیادی به پا کرده است. مستندی که دوباره سراغ یك موضوع ملتهب رفته و سعی کرده آن را روایت کند؛ موضوع ملتهبی که به نسبت مستندهای قبلی صرفا اجتماعی نیست و به‌شدت سیاسی است. متولد اورشلیم، سراغ تعدادی از شخصیت‌های اسرائیلی رفته و با آنها به گفت‌وگو نشسته است. کارگردان این مستند حسین شمقدری و راوی آن هم محمد دلاوری از همکاران ما در سازمان صداوسیماست. در این گفت‌وگو سراغ دلاوری رفتیم و درباره این مستند با او حرف زدیم.

به عنوان سؤال اول چرا این موضوع برایتان مهم شد؟

ببینید ما یك گروه چند نفره هستیم که مستندسازی می‌کنیم. اتفاق جالبی هم که بین‌مان افتاده این است که همگی‌مان در تمام امور فیلم با یکدیگر همفکری و همکاری می‌کنیم. در این مستند من علاوه بر راوی، نویسندگی نریشن‌ها (گویندگی فیلم) را هم بر عهده داشتم و البته در بخش‌های کارگردانی، تدوین و... هم همان‌طور که گفتم با دوستانم مشارکت داشتم. در شروع این کار به نظرمان رسید جامعه یهودیت به واسطه تاریخی که بر آنها گذشته، رازآمیز است و رازآمیز بودن هر مسأله‌ای ویژگی پررنگی است که ناخودآگاه من را به سوی خود جذب می‌کند. البته آثار مختلفی راجع به یهودیت ساخته شده و برای ما هم به عنوان مستندساز جالب بود که سراغ‌شان برویم. به‌ویژه این‌که طی سالیان طولانی بین ما و یهودیان علاوه بر نزاعی که همه از آن مطلع‌اند، همزیستی هم وجود داشته است؛ چرا که تبار خیلی از قدرتمندان سیاسی رژیم صهیونیستی، ایرانی است. در واقع قدمت یهودی‌ها در ایران طولانی است. تمام نکاتی که ذکر کردم دلیلی شد که ما برای ساخت این مستند به دنیای آنها ورود کنیم و از افکارشان و... جویا شویم. تصورم بر این است که فهمیدن تمام آنچه برای من به عنوان یك روزنامه‌نگار جذاب است، برای مخاطبم هم جذاب است. راستش را بخواهید هدف خیلی خاصی هم نه‌تنها در این کار، بلکه در هیچ‌کدام از کارهایم ندارم. به اعتقاد من انسان موجودی پرسشگر است و دوست دارد به دنبال جواب پرسش‌هایش باشد. من هم صرفا به دنبال جواب پرسش‌هایم هستم و همین برای من کافی بود که چنین موضوعی را در قالب یك مستند دنبال کنم.

> در جهان مدرن تهدید لزوما به این شکل و شمایل نیست که یك نفر زنگ بزند و بگوید من می‌خواهم تو را بکشم. گاهی اوقات در سکوت اتفاقاتی برای انسان می‌افتد که اصلا فکرش را نمی‌کرده و گاهی آدم از جایی ضربه می‌خورد که اصلا متوجه نیست

الان که نتیجه کار را می‌بینید، فکر می‌کنید به هدف رسیدید؟

معمولا اهدافی که ما تعیین می‌کنیم صفر تا صد است. ما مثل کوهنوردها نیستیم که زمانی بتوانیم بگوییم خب الان دیگر به قله رسیدیم. نه ما به اندازه توان‌مان به این مسأله ورود کردیم. بر همین اساس به اروپا رفتیم. یك سری تحقیقات و سؤالاتی پرسیده شد و برداشت‌هایی هم انجام گرفت و برگشتیم. اگر یك بار دیگر این راه را برویم شاید اتفاقات دیگر و جذاب تری برایمان رقم بخورد و شاید هم نه، اما الان از نتیجه کار راضی هستم.

شما در مقام راوی در این مستند با پنج شخصیت یهودی؛ یك استاد دانشگاه، یك خاخام یهودی، یك خواننده زن، یك عضو ارتش اسرائیل و یك فعال اجتماعی گفت‌وگو می‌کنید و نظر آنها را راجع به مسائلی مانند هولوکاست، جشن پوریم، شکل‌گیری اسرائیل و... می‌پرسید. روند انتخاب این شخصیت‌ها چگونه بود؟

این شخصیت‌ها هر کدام صاحب موقعیت اجتماعی خاصی هستند و حرف‌هایشان شنیدنی بود. اولا این‌که این پنج نفر همگی به صهیونیسم تعلق خاطر دارند. چون ما یهودی‌هایی داریم که هیچ تعلق خاطری به صهیونیست ندارند و حتی با آنها دشمنی هم می‌کنند. برای ما مهم این بود که با یهودی‌هایی طرف صحبت شویم که خودشان را متعلق به فضای صهیونیسم می‌دانند، علاوه بر این تمام مشاغلی که انتخاب کردیم به لحاظ اجتماعی به نوعی تاثیرگذار و دارای جوشش درونی هستند. شاید اگر با یك کارگر صحبت می‌کردیم به لحاظ فکری استدلال عمیقی برای ارتباط صهیونیسم نداشت و صرفا بر اساس سنتی قدیمی از آن پیروی می‌کرد. ما این پنج نفر را نماینده گروه‌های روشنفکری قلمداد کردیم که برای کارهایشان صاحب عقیده و استدلال هستند. به همین دلیل هم با آنها گفت‌وگو کردیم که به جواب‌های روشنی راجع به صهیونیست برسیم.

خاطرات جذابی حین ساخت مستند برایتان پیش آمد که نتوانید در فیلم بگنجانید؟

تقریبا تمام آنچه در حین فیلمبرداری پیش آمد را در فیلم گنجاندیم، اما یکی از جذاب‌ترین خاطراتی که در ذهنم مانده ورود به شهری در بلژیك بود برای دیدن جشن پوریم. تعداد یهودی‌های این شهر به قدری زیاد بود که احساس می‌کردی وارد اورشلیم شدی. این شهر مرکز الماس دنیاست و تجارت الماس هم دست یهودی‌هاست. من از آنجا که شناخت قبلی از این شهر داشتم به دوستانم گفتم پلیس در این شهر (و اساسا کل اروپا) به‌شدت از یهودی‌ها حفاظت می‌کند و حتی راه رفتن در این شهر و یك رفتار مشکوك (در حد خیره شدن به نقطه‌ای) با خطر همراه است (و البته اگر بفهمند ایرانی هستید که چه بدتر!) خلاصه ما رفتیم در محلی که جشن پوریم برگزار می‌شد و با کمال تعجب دیدم که یك نفر در را روی ما باز کرد و ما را با خوشرویی به داخل دعوت کرد. در همین حین از ما پرسید کجایی هستید؟ و ما گفتیم؛ ایرانی. یکدفعه چشمانش گرد شد. دوباره پرسید؛ اسمتان چیست؟ گفتیم؛ محمد، حسن و حسین و طرف وحشت‌زده شد اما روی خودش نیاورد و به ما گفت؛ بفرمایید تو. خلاصه ما رفتیم داخل و کمی بعد دیدیم که بله پلیس ریخت آنجا و آن بفرمایید توها بی‌دلیل نبوده. داستان پلیس را البته داخل فیلم آوردیم اما نکته جالبش این بود که هیچ‌کس نمی‌توانست درك کند که ما الان آنجا چه کار انجام می‌دهیم.

به پلیس نگفتید که مستندساز هستید؟

نه اصلا. من فقط گفتم که ما توریست مذهب هستیم و پلیس از ما پرسید که توریست مذهب یعنی چه؟ گفتیم، یعنی هر جای دنیا مراسم مذهبی برگزار شود به آنجا می‌رویم که تماشا کنیم. این دلیل را آوردم به این خاطر که می‌دانستم اروپایی‌ها از این راه‌ها قانع می‌شوند. خلاصه که تا مدتی دست پلیس بودیم تا بالاخره آزادمان کردند.

در انتهای فیلم می‌بینیم که ایمیلی از یك آدم ناشناس به شما می‌رسد و شما را دعوت به توقف طرح می‌کند. این اتفاق واقعی است یا برای جذابیت داستان چنین ایده‌ای را در فیلم گنجاندید؟

کاملا واقعی است. ما آن ایمیل را دریافت کردیم اما نکته اینجاست که خیلی وقت‌ها نمی‌شود یك گروه امنیتی را از یك گروه غیرامنیتی تفکیك کرد.

بیشتر توضیح می‌دهید؟

شما فرض کنید در اروپا کاری کردید که برخلاف قواعد امنیتی است و مجموعه‌ای به شما پیغام می‌دهد ما شما را زیرنظر داریم و دیگر این کار را نکنید. خب، ما از کجا می‌توانیم تشخیص بدهیم این پیام از سوی یك مقام امنیتی است یا خیر. می‌تواند امنیتی باشد، می‌تواند نباشد.

پس به دلیل این پیغام بود که مستند را بیشتر از این ادامه ندادید؟

نه‌تنها آن را دیگر ادامه ندادیم، بلکه گفتیم بهتر است فرار کنیم! راستش را بخواهید هنوز هم من ته دلم نگرانم که اگر دوباره به اروپا بروم مشکلی برایم پیش می‌آید یا نه! چون ما در واقع وارد منطقه ممنوعه شدیم و کار خطرناکی کردیم. کلا در اروپا شما اگر به یهودی‌ها بگویی بالای چشمت ابروست، معلوم نیست چه بلایی سرت بیاید و ما بیش از اندازه وارد زندگی‌شان شدیم.

دیگر تهدید نشدید؟

تهدید که نه، اما لزوما تهدید در جهان مدرن به این شکل و شمایل نیست که یك نفر زنگ بزند و بگوید من می‌خواهم تو را بکشم. گاهی اوقات در سکوت اتفاقاتی برای انسان می‌افتد که اصلا فکرش را نمی‌کرده و گاهی آدم از جایی ضربه می‌خورد که اصلا متوجه نیست. من در طی فعالیت‌های حرفه‌ای‌ام این مسأله را احساس کردم. شما وقتی با یك نفر دچار چالش می‌شوید ممکن است در ظاهر حتی به شما لبخند هم بزند، اما باید ببینید این لبخند در پس پرده هم لبخند است یا نه؟!

> یك نفر نقدی ساختاری به رژیم صهیونیستی وارد بداند، می‌تواند موضوع یك مستند دیگر باشد، اما با این آدم‌ها وارد گفت‌وگو شدیم و حرف‌هایمان را زدیم. در واقع می‌خواستیم ببینیم در برابر حرف‌های ما این افراد چه واکنشی نشان می‌دهند، همین

در تیتراژ عنوان کرده‌اید «ادامه دارد». یعنی قصد ساختن قسمت دوم را هم دارید؟

مستندسازی ما مثل سفر کردن سیاحان است. ما بخشی از راه را می‌رویم و بعد نگاه می‌کنیم که حالا دیگران از ما چه سؤالاتی دارند و کدام نقاط برایشان جذاب‌تر است. پس از آن گام دوم را طراحی می‌کنیم. اگر بعد از پخش قسمت اول خود مخاطب به ما بگوید کافی است قطعا دیگر آن را ادامه نمی‌دهیم؛ اما در مورد مستند متولد اورشلیم به دلیل استقبالی که تا این لحظه از آن شده به نظرم جای کار خیلی فراوانی دارد. کمتر از یك هفته است که این مستند توزیع شده و در همین مدت کوتاه مخاطب به زبان‌های مختلف می‌گوید باز هم دوست دارد از این موضوع ببیند و بشنود. مستند متولد اورشلیم ۸-۴۷ دقیقه است و به عنوان یك مستند به قدری کشش دارد که بیننده را مشتاق تا انتها نگه می‌دارد و حتی به نظرش می‌آید که چرا زمان آن این‌قدر کم است!

بازخورد منفی از مستندتان داشتید؟

بله، نقد منفی هم داشتیم.

از جمله نقدهای منفی که در مورد این مستند وجود دارد این است که ما در این مستند نامشروع بودن رژیم صهیونیست را صرفا در حد شعار می‌بینیم و شما با تمرکز روی پنج نفر یهودی این نامشروع بودن را به حاشیه بردید. خودتان راجع به این نقد چه نظری دارید؟

بعضی‌ها انتظار داشتند تصویر ذهنی‌شان راجع به رژیم صهیونیستی بار دیگر ساخته شود. یعنی هر آنچه قبلا فکر می‌کردند را من یك بار دیگر بسازم و تحویل بدهم، اما من دنبال این بودم مخاطبی که سال‌های سال طبق یك مدل فکر کرده حالا یك بار دیگر با خود فکر کند که چرا این‌طوری شد! مخاطب ما چون سال‌های سال یك مدل فکر کرده برایش سخت است حالا تصویر دیگری ببیند. من می‌خواستم دقیقا همین اتفاق بیفتد. لذا چنین نقدهایی را حاصل ایست این آدم‌ها در کلیشه‌های قبلی‌شان می‌دانم. آنها دوست داشتند دوباره تصویر قبلی‌شان را ببینند.

خب پس این وسط نامشروع بودن رژیم صهیونیستی چه می‌شود؟

این‌که یك نفر نقدی ساختاری به رژیم صهیونیستی وارد بداند، می‌تواند موضوع یك مستند دیگر باشد، اما با این آدم‌ها وارد گفت‌وگو شدیم و حرف‌هایمان را زدیم. در واقع می‌خواستیم ببینیم در برابر حرف‌های ما این افراد چه واکنشی نشان می‌دهند، همین.

اساسا در تولید محتوا سندرمی وجود دارد به نام سندرم «همه چیز گفتن». به این معنا که بعضی‌ها توقع دارند در یك فیلم ۴۷ دقیقه‌ای همه آنچه ممکن است در آن گنجانده شود که به نظر من کاملا اشتباه است. ما فقط یك لحظه مواجهه‌ای بین آدم‌هایی که چیزی را باور دارند با آدم‌های مخالف‌شان، ایجاد کردیم، همین و بس و اگر این ۴۷ دقیقه بتواند مخاطب را جذب کند و به فکر وادارد برای ما کفایت می‌کند. قرار نیست تمام رسالت مبارزه، ایدئولوژیك، مشکل کمبود آب در نوار غزه، کودك‌کشی و... را در این فیلم بگوییم.

به نظرم دیگران باید همت کنند و فیلم‌هایی بسازند که نه‌تنها برای مخاطب جذاب باشد، بلکه تمامی این مفاهیم را هم در بگیرد.

> دلاوری: هنوز هم من ته‌دلم نگرانم که اگر دوباره به اروپا بروم مشکلی برایم پیش می‌آید یا نه! چون ما درواقع وارد منطقه ممنوعه شدیم و کار خطرناکی کردیم. کلا در اروپا شما اگر به یهودی‌ها بگویی بالای چشمت ابروست، معلوم نیست چه بلایی سرت بیاید و ما بیش از اندازه وارد زندگی‌شان شدیم

مکث

روزنامه‌نگاری بدون درد و خونریزی

من الان کتابی را آماده کردم به نام «روزنامه‌نگاری بدون درد و خونریزی» که حاوی ۱۶ مصاحبه من با ۱۶ چهره برتر حوزه رسانه و روزنامه‌نگاری با گرایش‌های مختلف است. الان چهار ماه است به این کتاب مجوز نداده‌اند و در وزارت ارشاد است. از سویی دیگر دو سه طرح برای مستندسازی هم داریم، اما ترجیح می‌دهم فعلا راجع به آن صحبت نکنم.

راش

فیلمسازی نوجوانان

امسال همزمان با سی و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، سومین دوره المپیاد فیلمسازی نوجوانان ایران نیز توسط بنیاد سینمایی فارابی و با مشارکت انجمن سینمای جوانان ایران در دو بخش ایده و فیلم برگزار می‌شود.

به گزارش جام جم، سومین المپیاد فیلمسازی نوجوانان، با هدف ترویج فضائل اخلاقی و نگاه امیدوارانه به زندگی در بین نوجوانان از طریق ایده‌پردازی و مشارکت در تولید فیلم، یافتن ایده‌های نو در سینمای کودکان و نوجوانان، ایجاد شرایط مناسب برای کشف و معرفی استعدادهای هنری نوجوانان در حوزه تخصصی سینمای کودکان و نوجوانان و زمینه‌سازی برای گسترش فعالیت در حوزه سینمای کودکان و نوجوانان برگزار می‌شود و امیدبخش فراهم شدن زمینه برای نوجوانانی است که به حوزه فیلمسازی علاقه دارند و می‌خواهند فعالیت در این زمینه را به شکل جدی دنبال کنند.

برگزاری این المپیاد، ویژگی‌های مثبت دیگری هم برای نوجوانان علاقه‌مند دارد. دبیرخانه المپیاد برای نوجوانانی که آثارشان به مرحله نهایی راه پیدا کند، در دفاتر انجمن سینمای جوانان ایران کارگاه‌های رایگان «آشنایی با سینما» برگزار خواهد کرد، طبیعتا این کارگاه‌ها فرصت خوبی برای علاقه‌مندان به مباحث جدی سینماست تا از آموزه‌های استادان این حوزه استفاده کنند.

در واقع المپیاد فیلمسازی به نوجوانان میدان می‌دهد که براساس فکر و نگاه خود، ایده‌پردازی کنند، دست به عمل بزنند، تجربه کسب کنند و بعد در کلاس‌های آموزشی شرکت کنند تا در مسیری که به آن علاقه‌مند شدند آگاهانه قدم بردارند. از طرفی برگزاری کارگاه‌های آموزشی نیز به آنها کمك می‌کند تا سواد آکادمیك این حرفه را کسب کنند و این رویداد دریچه‌ای برای ورود به دنیای جادویی سینما شود. برگزاری المپیاد فیلمسازی علاوه بر این‌که مورد توجه نوجوانان علاقه‌مند به حوزه سینما قرار گرفته، به مذاق فیلمسازان و تهیه‌کنندگان این عرصه نیز خوش می‌آید، چراکه در ادامه در این حوزه با نیروهای آموزش‌دیده و کاربلدی مواجه می‌شوند که فعالیت در سینمای کودك را برای همه حرفه‌ای‌تر و جدی‌تر می‌کند. به بهانه برگزاری سومین دوره از المپیاد فیلمسازی نوجوانان، با چهار کارگردان سینما گفت‌وگوهایی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

غلامرضا آزادی، کارگردان و تهیه‌کننده سینمای کودك که موافق فعالیت حضور جوانان در عرصه هنر است، درباره اهمیت بخش المپیاد جشنواره گفت: هرکاری که برای نسل جوان انجام دهیم، مثبت است و ثمره آن را بعدها خواهیم دید. نکته مثبتی که المپیاد جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان از آن برخوردار است، بسترسازی فضایی آموزشی برای نوجوانان است.

کارگردان سندباد و سارا ادامه داد: برگزاری این المپیاد باعث ایجاد انگیزه در کودکان می‌شود و این، اتفاق مثبتی برای ایشان است، چراکه بچه‌ها ابتدا تجربه کسب کرده و فیلم می‌سازند و بعد کلاس‌های آموزشی برایشان برگزار شده و ایرادات فیلمشان توسط استادان متخصص رفع می‌شود و این روند می‌تواند دانش سینمایی آنها را ارتقا دهد.

محمدامین همدانی، کارگردان پویانمایی «فهرست مقدس»، هم درباره این موضوع گفت: برگزاری المپیاد، اتفاق مثبتی است. متاسفانه ما در دوره‌ای شاهد فرار مغزها در حوزه فرهنگ و هنر بودیم، اما واقعیت این است که ما نیازمند نیروی متخصص و جوان در بازار کار هستیم، برگزاری المپیاد فیلمسازی می‌تواند راهی برای ورود این هنرمندان نوجوان به دنیای حرفه‌ای سینما باشد.

حمیدرضا قطبی، کارگردان سینما نیز درباره بخش المپیاد فیلمسازی گفت: برگزاری المپیاد فیلمسازی نوجوانان، مفید است و می‌تواند در جشنواره تنوع ایجاد کند. حضور بچه‌ها در گرماگرم شلوغی بازار جشنواره، دلنشین است. باید برای انجمن سینمای جوان ارزش قائل شد و به آن اهمیت داد. بخش المپیاد جشنواره و کلاس‌های رایگانی که انجمن سینمای جوان و جشنواره کودك، برای منتخبان برگزار می‌کنند اهمیت زیادی دارد چراکه کودکان، آینده‌سازان فردای جامعه هستند و بها دادن به آنها تاثیر زیادی در آینده خود نوجوانان دارد. قطبی افزود: از آن‌جا که نوجوانان سرشار از اشتیاق یادگیری و در مرحله انتخاب مسیر زندگی‌شان هستند، چنین تمهیداتی می‌تواند مسیر آنها را هموارتر کرده و باعث شود آگاهانه، حرفه خود را انتخاب کنند. با تجربه‌ای که نوجوان در این المپیاد کسب می‌کند می‌تواند به این نتیجه برسد که سینما و سینماگری را به عنوان حرفه اصلی خود انتخاب کند یا از کنار آن رد شود.